

تکنولوژی‌ها تعیین کننده دولت‌ها



مهدی اسفندیار

تکنولوژی و به شکل اهم آن دانش راه گریزناپذیر حفظ استقلال و پایه‌های هر حکومت و ملتی است و بدون تردید هر چقدر فاصله علمی و فنی ما با دنیا بیشتر شود به همان اندازه استقلال و امنیت ما تهدید می‌شود؛ مثال ساده آن تاخت و تاز بیگانه در افغانستان و حفظ نسبی استقلال در پاکستان است که شاید منتقدان بگویند پاکستان به دریای آزاد راه دارد و درآمد سرانه و... اگر چنین است باید بیرسیم پس چرا عربستان همچنان متأثر از نقش امریکا در منطقه است و اگر از همه اینها بگذریم؛ کره شمالی اگر به دانش هسته‌ای دست پیدا نمی‌کرد؛ قادر به این همه جولان دادن بود!؟

حالا سوال اینجاست که اگر در پروسه عقب ماندگی اقتصادی و فنی و صنعتی و ... که در نتیجه ایزوله شدن کره شمالی در شرف وقوع است؛ غرب به سطحی برسد که بتواند از چالش امنی کره شمالی بگذرد؛ آنگاه این جوانک به کدام پستو خواهد خزید!؟

بگذارید از درجه‌های دیگر سخن بگویم!؟

دانش مهندسی در حال احاطه کردن دانش پزشکی است؛ این را تکنولوژی‌هایی می‌گویند که هر روز کار را ساده تر می‌کنند... توسعه عمیق علوم انسانی در جوامع غربی که موجب توجه جدی به فلسفه علم و پیشرفت‌های بزرگ شد و تبدیل به جریانی شد که همچنان با سرعت و قدرت به پیش می‌رود.

به هر حال چه آنکه غرب ندهنده‌های ایدئولوژیک دست آورده‌ای علمی غرب را نبینند و چه آنکه

ببینند و تفهمنند و یا اینکه خود و خوششان جملگی در درون مدهوش و در برون تمارض کنند؛ علم در دنیا مسیری را می‌رود که هیچ سنجی با آنچه ما در حال طی کردن آن هستیم ندارد... هجوم عجیب نخیه‌های علوم انسانی و مهندسی به سمت رشته‌های پزشکی که دقیقاً خلاف رویکرد جهان است ؛ نشان می‌دهد اوضاع ما خوب نیست!؟ جهت گیری ما به سمت علم نادرست است (انتشار آمار

مقالات وزیر بهداشت > که در کمتر از هر هفته یک مقاله بین المللی ارائه داده است به خوبی نشان می‌دهد که تکیه بر این آمارها به عنوان معیار پیشرفت علمی امری ناصواب است.)

متأسفانه در موضوع علم فقط به از هم پاشیدن علوم فنی و مهندسی کار خلاصه نمی‌شود؛ بلکه علومی چون مدیریت و بخصوص حقوق و ... نیز شددیدار در کشور دچار افت شده اند و مدرک گرایی و توسعه کمی و قارچ گونه دانشگاه‌های ایران سبب شد که افراد ناشایسته و دارای روابط سیاسی و ... جای افراد کارآمد در سیستم‌های خصوصی و دولتی بگیرند و خارقیت و مهارت و تخصص جای خود را به کمی‌نگری و تقلب و مدرک گرایی بدهند و چرخ اقتصاد و صنعت و سیاست کشور را قفل کنند.

آنچه در مورد افت دانش در کشور بیان کردیم امری نصیبی و در مقایسه با حرکت شتابان دنیااست که موجب وابستگی کشور به واردات دسته بیل و خوراک سنگ و اسب گردیده است و متأسفانه با وجود موارد بسیار روشن عینی مثل ناتوانی مدیریت کشور در مهار تورم و بحران‌های زیست محیطی و اشتغال و حدود پانزده میلیون برون‌ده قضایی در سال؛ بازهم نمی‌توان عده‌ای را قانع کرد که اینها نشانه‌های آشکاری از افت دانش مدیریت و صنعت و ... در کشور هست که ناتوانی خود را در مواجهه با بحران‌ها نشان داده است و در پاسخ به نقد افرادی چون بنده؛ آمار مقالات افرادی چون قاضی زاده هاشمی را به عنوان شاخص پیشرفت مطرح می‌کنند.

به هر حال چه دوستان قبول کنند که در جهت گیری علمی و دانشگاهی و ... اشتباه کردند و چه قبول نکنند؛ دنیا در مسیر شتابان خود به سمت استسیلاب بر جوامع کمتر توسعه یافته؛ فقط به وابستگی خوراک سنگ و اسب و اینترنت و اپلیکیشن و هارپ و حمله بیولوژیکی و ... اکتفا نخواهد کرد و ... کارش را انجام می‌دهد. به هر حال برای بنده کاملاً مسجل شده است که دنیای اکنون و آینده، جایی است که دست برتر در دانش حرف اول را خواهد زد نه مکاتب ایدئولوژیک... از قافله دانش عقب‌نمانیم؛ تبادل استناد و دانش‌جو و توجه به کیفیت و رشد کیفی علوم انسانی با نگاهی بی‌غرض به واقعیات دنیا؛ حیاتی‌ترین کار در حکمرانی امروز است.

شهرک روزنامه

۰۹۱۲۴۸۸۸۲۷۲
۰۹۱۲۶۸۷۰۱۹۱
۰۲۱۸۸۹۹۴۶۰۸

سازمان آگهی

مشکلات اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی زیادی دارد. «فرناز آزادی» با بیان اینکه تعریف ازدواج سفید در ایران با تعریف جهانی آن متفاوت است، می‌افزاید؛ اگر چه دلایل کسانی که این سبک از زندگی را برای ادامه زندگی‌شان برمی‌گزینند، متفاوت است، اما در بررسی‌های به عمل آمده غالب آنها یک مولفه مشترکی دارند که آن عدم مسئولیت‌پذیری از سوی یکی از زوجین است. معمولاً چنین افرادی برداشت درستی از خانواده و کار کرده‌ای آن ندارند، خیلی دیر به بلوغ فکری لازم برای تعهد و مسئولیت‌پذیری ازدواج می‌رسند و از آن می‌گریزند.»

وی ادامه می‌دهد: «تحقیقات نشان داده است زنان در چنین رابطه‌هایی به دلیل اینکه حمایت‌های قانونی به عنوان یک زن شهرودار را از دست می‌دهند بیش از انواع دیگر ازدواج دچار خشونت خانگی می‌شوند و چنین روابطی زودتر از ازدواج‌های رسمی و شرعی از هم می‌پاشد.»

این جامعه‌شناس در خصوص تاثیر ازدواج سفید برای زنان می‌گوید: «آنچه بسیار به چشم می‌آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و خصوصاً برای دختران و زنان است و از آنجا که ساختار خلقت و شخصیت زنان بسیار هیجانی، لطیف و بر اساس ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاص آن‌ها طراحی شده، اینگونه روابط تأثیر مخرب بر ذهن و روان آن‌ها بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر در چنین ارتباطاتی برای فرزندان و بارداری‌های احتمالی هیچ پیش‌بینی‌ای انجام نگرفته و همین امر خود بر میزان فرزندان و کودکان نامشروع، بدون شناسنامه و آمار سقط جنین غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن می‌افزاید.»

در خصوص آسیب‌پذیری ازدواج سفید برای مردان نیز این جامعه‌شناس معتقد است: «در جامعه‌ای مثل ایران به مردی که زندگی مشترک بدون ازدواج دارد، با نگاه مردی که دارای خصلت‌های مردانگی است، نگاه نمی‌شود و ازدواج سفید باعث می‌شود اطرافیان با نگاه سطحی و سنتی او را قضاوت کنند.»

■ **سود و زیان‌های ازدواج سفید**
از قدیم گفته‌اند تا دو نفر زیر یک سقف نروند مشخص نیست که بتوانند با هم زندگی کنند. برخی به ازدواج سفید به مکانیزی برای محک زدن درصد موفقیت ازدواج دائم نگاه می‌کنند. آزادی، ضمن تأیید این که ازدواج سفید امکان شناخت زوج را پیش از ازدواج دائم فراهم می‌کند، می‌گوید: «اکثر ازدواج‌های سفید بحث ازدواج دائم از ابتدا مطرح نیست و همیشه هم این گونه نیست که به ازدواج دائم منجر شود. از طرفی تبعات خاتمه دادن به ازدواج سفیدی که علنی شده باشد بیشتر از طلاق در ازدواج رسمی است.»

آزادی می‌گوید: «ظاهر آن اینطور به نظر می‌رسد که در ازدواج سفید بدون دردسر و مشکلات قانونی و حقوقی می‌توان چمدان را بست و رفت، ولی در عمل چون ازدواج رسمی در چارچوب قانون و با حمایت خانواده‌ها صورت پذیرفته است، در صورت طلاق، زوجین پیامدهای عاطفی، اجتماعی و فرهنگی کمتری را متحمل می‌شوند.»

با توجه به افزایش این مدل زندگی از سوی جوانان کشور ما، اما نمی‌توانیم انکار کنیم که جامعه مردانه ایرانی علاقه دارد که بسا زنی ازدواج کند که قبیل از او تجربه رابطه با دیگری را در هیچ سطحی نداشته باشد و نمی‌تواند بپذیرد که به شناسنامه زن و گذشته او توجهی نکند، و فقط به زمان حال او و خود او توجه کند. در شرایطی که مردان جامعه ما مدرن می‌اندیشند، اما سنتی عمل می‌کنند. با این شرایط به نظر می‌رسد نمی‌توان آینده مورد دلخواه زنان و دخترانی را که این نوع زندگی انتخاب می‌کنند متصور بود.



اختلاف و طلاق در کار باشد که مشکل صد چندان می‌شود، دادگاه، مهریه و حتی زنان که محصول طلاق است، مور را بر بدن خود زندگی‌ام را با آرز آغاز کنیم، اما نه خود و نه خانواده‌اش تمایلی به ازدواج وی نداشتند. بنابراین زمانی که با پیشنهاد آرش برای زندگی مشترک زیر یک سقف بدون عقد رسمی مواجه شدم، به دلیل وابستگی عاطفی‌ام به وی چاره‌ای جز پذیرفتن پیشنهادش نداشتم. بی شک اگر شرایط ازدواج رسمی و قانونی با آرش برابرم می‌شد، این سبک از ازدواج را که نه تنها برای من سفید نیست، بلکه بر رنگ‌تر از هر سیاهی است، انتخاب نمی‌کردم.

مونا در رابطه با دغدغه‌های زندگی مشترکش با بغض می‌گوید: «احساس امنیت روانی ندارم. هر لحظه احتمال می‌دهم آرش پایان رابطه را اعلام کند. این کابوس هر روزه و هر لحظه با من همراه است. ترس از این موضوع باعث شده مدام استرس داشته باشم و حتی از لحظاتی که در کنار هم به سرمی‌بریم نیز لذت نبرم.»

مونا در باره روابط اجتماعی و خانوادگی‌اش با دیگران می‌گوید: در جمع‌های دوستانه که اکثراً متأهل هستند احساس خود کم‌بینی و شرم دارم. هیچ چشم‌انداز روشنی از آینده برای خودم متصور نیستم. از دست خودم عصبانی‌ام و مدام با خود در حال قهر، دعوا و درگیری هستم. می‌دانم با پذیرفتن این سبک از زندگی خیلی از آرزوهایم فقط در حد یک آرزو باقی می‌ماند. من عاشق بچه بودم، عاشق پوشیدن لباس سفید عروس، عاشق یک زندگی گرم و با تعهد، اما با انتخاب این مدل از زندگی این فرصت‌ها را از دست می‌دهم.»

اما از نسوی دیگر آرش ۳۴ ساله نظری کاملاً متفاوت با مونا دارد. او که مشغول بازی با موبایلش است، با خونسردی کامل می‌گوید: «زمان ازدواج به سبک سنتی به سر آمده است. زمانی که می‌توانی بدون هیچ تعهد و مسئولیتی به راحتی زندگی کرد چرا خود را در گیر ازدواج و تشریفات عقد و عروسی کنید. اگر

زندگی مشترک را انتخاب کرده‌اند متفاوت است. شاید دلیل خیلی از این افراد مشکل مالی یا عدم مسئولیت‌پذیری یا فرار از تعهد و محدودیت و حفظ آزادی‌های فردی باشد، اما من از لحاظ عاطفی وابستگی شدیدی به همخانه فعلی‌ام «آرش» داشتم. فکر این که حتی برای یک لحظه فرد دیگری را به جای او در زندگی خود تصور کنم مرا به مرز جنون و دیوانگی می‌کشاند، سال‌ها منتظر بودم که بر اساس رسم و رسوم پذیرفته شده جامعه خود زندگی‌ام را با آرش آغاز کنم، اما نه خود و نه خانواده‌اش تمایلی به ازدواج وی نداشتند. بنابراین زمانی که با پیشنهاد آرش برای زندگی مشترک زیر یک سقف بدون عقد رسمی مواجه شدم، به دلیل وابستگی عاطفی‌ام به وی چاره‌ای جز پذیرفتن پیشنهادش نداشتم. بی شک اگر شرایط ازدواج رسمی و قانونی با آرش برابرم می‌شد، این سبک از ازدواج را که نه تنها برای من سفید نیست، بلکه بر رنگ‌تر از هر سیاهی است، انتخاب نمی‌کردم.

مونا در رابطه با دغدغه‌های زندگی مشترکش با بغض می‌گوید: «احساس امنیت روانی ندارم. هر لحظه احتمال می‌دهم آرش پایان رابطه را اعلام کند. این کابوس هر روزه و هر لحظه با من همراه است. ترس از این موضوع باعث شده مدام استرس داشته باشم و حتی از لحظاتی که در کنار هم به سرمی‌بریم نیز لذت نبرم.»

مونا در باره روابط اجتماعی و خانوادگی‌اش با دیگران می‌گوید: در جمع‌های دوستانه که اکثراً متأهل هستند احساس خود کم‌بینی و شرم دارم. هیچ چشم‌انداز روشنی از آینده برای خودم متصور نیستم. از دست خودم عصبانی‌ام و مدام با خود در حال قهر، دعوا و درگیری هستم. می‌دانم با پذیرفتن این سبک از زندگی خیلی از آرزوهایم فقط در حد یک آرزو باقی می‌ماند. من عاشق بچه بودم، عاشق پوشیدن لباس سفید عروس، عاشق یک زندگی گرم و با تعهد، اما با انتخاب این مدل از زندگی این فرصت‌ها را از دست می‌دهم.»

اما از نسوی دیگر آرش ۳۴ ساله نظری کاملاً متفاوت با مونا دارد. او که مشغول بازی با موبایلش است، با خونسردی کامل می‌گوید: «زمان ازدواج به سبک سنتی به سر آمده است. زمانی که می‌توانی بدون هیچ تعهد و مسئولیتی به راحتی زندگی کرد چرا خود را در گیر ازدواج و تشریفات عقد و عروسی کنید. اگر



آذر لطفی

روزنامه‌نگار

تا چند سال پیش در ادبیات عامیانه مردم ازدواج فقط یک معنا داشت و آن هم آغاز زندگی مشترک و رفتن زیر یک سقف برای بنیان گذاشتن پایه‌های یک زندگی. ازدواج، ازدواج بود، خارج از هر رنگ سیاه و سفیدی. اما چند سالی می‌شود که به ازدواج هم رنگ و لعاب بخشیدند و یک واژه‌ای جدید یا بهتر بگوییم اصطلاحی تازه به نام «ازدواج سفید» وارد ادبیات اجتماعی کشور شده است. اکثر ما در مورد این پدیده نوظهور شنیده‌ایم و نظرات و قضاوت‌های خاصی خود را در ارتباط با آن داریم. این پدیده شگفت که در نوع خود محصول دنیای مدرن است، از آن وقایعی است که باید از زوایای مختلف آسیب‌شناسی شود.

ازدواج سفید یا به تعبیری هم‌پاشی به ازدواجی می‌گویند که زن و مرد با هم زندگی می‌کنند، بدون آنکه با هم صیغه عقد را خوانده باشند. یعنی ازدواجی که در هیچ جای رسمی ثبت نشده است. فقط قراردادی است بین زن و مرد برای زندگی مشترک در کنار هم. این قرارداد فقط بین زوجین اعتبار دارد و هیچ اعتبار قانونی و شرعی ندارد. این شیوه از زندگی معمولاً از سوی جوانانی که از ازدواج فراری هستند، اما از طرفی هم نمی‌خواهند تنها باشند مورد استقبال قرار می‌گیرد.

روشن است که ازدواج سفید محصول انتقال از فرهنگ غرب به شرق و به نوعی برآمده از مدنیت نوین است که البته گستره وسیعی از کشورهای جهان سوم را تحت تأثیر قرار داده است. این رویه که در کشورهای غربی مرسوم است و بر اساس آن زن و مرد پیش از تصمیم قطعی برای ازدواج، چند سالی را بدون هیچ‌گونه ثبت سند رسمی، با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند، گاه حتی بچه‌دار هم می‌شوند و چند سال بعد اقدام به ازدواج رسمی می‌کنند. نمونه آن را می‌توان در زندگی چهارم‌های ورزشی و هنری سرشناس در سطح دنیا مشاهده کرد. به عنوان مثال همین چند ماه پیش بود که «لیونل مسی» آرژانتینی فوتبالیست سرشناس بارسلونا بعد از داشتن دو فرزند به زندگی مشترکش رسمیت بخشید. این رویه برای جوامع غربی نسبتاً جاافتاده است و با فرهنگ خودشان همخوانی نسبی دارد. اما این پدیده که سنخیت چندانی با فرهنگ غالب جامعه ما نیز ندارد، چند سالی می‌شود از پرچین مرزی کشور ما نیز عبور کرده است و از سوی برخی از افراد مورد استقبال قرار گرفته و روز به روز نیز به طرفداران این سبک از زندگی افزوده می‌شود. چون این پدیده نسبت به فرهنگ و شرایط حاکم بر جامعه رواج زیادی در بین جوانان کشور داشته، خوب است اندکی روی آن درنگ کنیم.

طبق آمار غیررسمی ازدواج سفید در شهرهای بزرگ ایران در حال گسترش است، ولی ماهیت پنهانی و دور از چشم این نوع زندگی مشترک دسترسی به آمار در این باره را مشکل می‌کند. برخی از جامعه‌شناسان و کارشناسان در ایران ازدواج سفید در فرهنگ ایرانی- اسلامی را وصله ناجوری می‌دانند.

انگیزه‌ها در ازدواج سفید

«مونا» دختری ۲۳ ساله و موفق‌دان است. سه سالی می‌شود که به قول خودش به تبعیت از دوستان روشنفکرش با یکی از همکارانش بدون هیچ عقد و تعهد شرعی و قانونی زندگی مشترک‌اش را آغاز کرده است. او در رابطه با انتخاب این شیوه از زندگی می‌گوید: دلیل انتخاب من با اکثر کسانی که این سبک

بسته خبری

سلامت شهروندان تهرانی از تقاعمی یابد

در جلسه مشترک بسیج جامعه پزشکی سازمان غذا و دارو با مسئولین شهرداری منطقه ۱۱ تهران، مقرر شد از پتانسیل طرفین برای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی شهروندان در موضوع محصولات سلامت محور استفاده شود

به گزارش ایسنا، در جلسه مشترک بسیج جامعه پزشکی سازمان غذا و دارو با مدیران شهرداری منطقه ۱۱ تهران که به میزبانی سازمان غذا و دارو برگزار شد؛ دکتر کریمی، فرمانده کانون بسیج جامعه پزشکی سازمان به تشریح وظایف سازمان غذا و دارو در سطح کشور و فعالیت‌های کانون بسیج جامعه پزشکی سازمان پرداخت و از ظرفیت های بالای این سازمان درموضوع اطلاع رسانی محصولات سلامت محور در سطح جامعه توضیحاتی به مسئولین شهرداری تهران ارائه کرد و خواستار ایجاد کارگروهی جهت همکاری بیشتر بین این دو سازمان شد.

همچنین سید عباس طباطبایی معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ با بیان این که یکی از مهم ترین اولویت های مدیریت شهری خدمت رسانی در حوزه سلامت است، گفت: اداره سلامت شهرداری در سراسرهای محله و پارلمان های محلی با برگزاری کارگاه های آموزشی و... برنامه های ویژه ای برای ارتقای آگاهی شهروندان در موضوعات سلامت محور دارد. طباطبایی خواستار همکاری و همکاری بین سازمانی در زمینه معضلات اجتماعی پیش روی سالمندان و کودکان، استفاده از تکنیک های جدید برای آموزش های شهروندی، محصولات ارگانیک، آموزش در سطح میادین میوه و تره بار شهرداری و آموزش های همگانی برای ارائه به شهروندان در مراکز آموزشی شهرداری مانند فرهنگسرا، خانه فرهنگ و... شد. بر اساس گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱، در این نشست مقرر شد بسته های آموزش عمومی و تخصصی، تهیه مطالب مرتبط با فرآورده های سلامت محور، احصای نیازهای آموزشی شهروندان، برگزاری کلاس های آموزشی مشترک و... در گام نخست همکاری طرفین فراهم شود.



کاهش ۹۰ درصدی خسارت‌های زلزله در پایتخت

رییس سازمان مدیریت بحران شهر تهران از کاهش ۹۰ درصدی خسارت‌های زلزله با اجرای طرح جامع مدیریت بحران پایتخت خبر داد.

احمد صادقی در حاشیه بازدید اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با اشاره به مصوبه سال ۸۷ مجلس شورای اسلامی مدیریت بحران کشور گفت: مسئولیت مدیریت بحران در ذیل وزارت کشور به سازمان مدیریت بحران کشور و در استان‌های مختلف به عهده استانداری‌ها گذاشته شده است، اما با توجه به اهمیت شهر تهران به عنوان پایتخت کشور مسئولیت مدیریت بحران با شهرداری تهران است.

وی با اشاره به طرح جامع مدیریت بحران تهران افزود: تنها نقطه ای در کشور که طرح جامع مدیریت بحران خود را به تصویب مجلس رسانده، شهر



تهران است که در این طرح شرح وظایف دستگاه‌های مختلف در هنگام بحران ذکر شده است.

رییس سازمان مدیریت بحران شهر تهران با بیان اینکه در طرح جامع جدید ۱۵ پروژه اولویت‌دار شهیر تهران تعریف شده است، به مهر گفت: طبق این برنامه در طول ۱۲ سال پایگاه‌های مدیریت بحران، تخلیه اضطراری، هشدار سریع، تخمین خسارت و ... صورت گرفت که تا پایان سال ۹۵ اجرایی شد. صادقی با اشاره برنامه‌های این سازمان در سال ۹۶ نیز خاطرنشان کرد: طرح‌های اجرا شده در سال‌های گذشته مورد بررسی و آسیب شناسی جامع مدیریت بحران زلزله قرار گرفته است و این در حالی است که در طرح جامع مدیریت بحران در زلزله در ۳ فاز دیده شده است. در اقدامات تپ یک وضعیت به همین صورت خواهد بود، در اقدامات تپ دو کاهش ۳۰ درصدی خسارت‌ها و در اقدامات تپ سه، ۹۰ درصد کاهش خسارت خواهیم داشت.

تلاش برای افزایش ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی بودجه بیمه سلامت



عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۹۷ از تلاش برای افزودن اعتبار سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به ردیف‌های بیمه سلامت برای رفع کسری‌ها در بودجه ۹۷ خبر داد.

محمدنعم امینی فرد با پیگیری‌های صورت گرفته در کمیسیون تلفیق مقرر شد با توجه به اهمیت ویژه بحث سلامت در بودجه کارگروهی تشکیل شود، گفت: این کارگروه از اعضای کمیسیون بهداشت در تلفیق، سید مهدی فرشادان از اعضای هیات رییس کمیسیون تلفیق، نمایندگان معاونان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نمایندگان سازمان برنامه و بودجه و مدیرعامل سازمان بیمه سلامت تشکیل شده است. نماینده مردم ایران‌شهر در مجلس شورای اسلامی، افزود: اعضای این کارگروه به تفاهم کلی در در مورد پیش بینی احکامی در بودجه برای کنترل بهینه هزینه‌ها و همچنین

تامین منابع مورد نیاز برای اجرای این احکام رسیده است. وی با یادآوری اینکه تاکید کارگروه بر این است که یک درصد ارزش افزوده و ۱۰ درصد هدفمندی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اختصاص یابد، گفت: در مورد وضع عوارض بر مواد غذایی آسیب رسان به سلامت پیشنهاتی ارائه شده که انتظار می‌رود مورد موافقت کمیسیون تلفیق قرار گیرد.

به گزارش مهر، نماینده مردم ایران‌شهر در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه کمک ۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی برای حل بدهی بیمه سلامت از محل فروش اسناد خزانه اسلامی دیروز مورد موافقت کمیسیون تلفیق قرار گرفت. تصریح کرد: این مبلغ می‌تواند در رفع بدهی‌های انباشته سازمان بیمه سلامت مؤثر واقع شود.

عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۹۷ ادامه داد: همچنین به دنبال آن هستیم کاهش هزینه‌ها؛ از طریق رفع همبوشسانی و اعمال راهنمای یالبینی در بودجه ۹۷ واقعی شده و علاوه بر حل بدهی بیمه سلامت از محل فروش اسناد خزانه، کاهش سه درصدی اعتبارات بیمه سلامت در بودجه را با اضافه کردن ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به ردیف‌های بیمه سلامت در بودجه برطرف کنیم.